

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۳، بهار ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

تحلیل عوامل مؤثر بر الحاق سکونتگاه‌های روستایی به شهر مبتنی بر چارچوب تقسیمات کشوری (مورد مطالعه: کلانشهر ارومیه)

وحید ریاحی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
حسن افراخته: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
شمسی صالح پور: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۳

صص ۸۶-۷۵

دریافت: ۲۳۹۶/۱۱/۲۰

چکیده

الحاق روستاها به شهرها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان در دهه‌های اخیر است که تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از عوامل همانند نحوه تقسیمات کشوری و بعضاً تصمیمات سیاسی قرار دارد. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از پارادایم تفسیرگرایی به بررسی الحاق سکونتگاه‌های روستایی پیراشهری به شهر مبتنی بر چارچوب تقسیمات کشوری در کلانشهر ارومیه بپردازد. سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر ارومیه تا شعاع ۷ کیلومتری، بر اساس مؤلفه ارتفاع به پنج طبقه تقسیم شده‌اند. ۷۱/۸۵ درصد از روستاها در گروه اول، ۲۰/۳۹ درصد در گروه دوم، ۵/۸۲ درصد در گروه سوم و ۱/۹۴ درصد در گروه چهارم جای گرفته‌اند. در گروه پنجم با ارتفاع ۱۹۲۴-۲۲۰۱ متر، هیچ روستایی واقع نشده است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، کیفی است. در این راستا برای انجام عملیات تحقیق از مطالعه موردی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، متخصصان و کارشناسان سازمان‌های مرتبط در امور شهری و روستایی (اعم از شهرداری، استانداری، فرمانداری، سازمان جهاد کشاورزی، دهیاری و ...) بوده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند استفاده شده است. روش نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی با تکیه بر روش گلوله برفی بوده است. تعداد افراد مصاحبه شونده یا حجم نمونه برابر ۴۲ نفر (تا رسیدن به اشباع نظری) بوده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تئوری زمینه‌ای به عنوان رویکردی از روش‌شناسی کیفی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که نخست، الحاق سکونتگاه‌های روستایی به شهر، به عنوان فرآیندی پیچیده، چندبعدی و متناسب با شرایط مکانی و زمانی، تحت تأثیر مستقیم نظام تقسیمات سرزمینی متمرکز ایران عمل می‌کند. سپس تقسیمات سرزمینی متمرکز در قالب عواملی همچون ضعف تقسیمات کشوری، همجواری جغرافیایی، مدیریت ناکارآمد و نظام اقتصادی متمرکز بستر را برای مهاجرت به روستاهای حاشیه کلانشهر فراهم نموده و موجب الحاق روستاها به شهر ارومیه شده است. در نهایت، تضعیف بنیان‌های فعالیت و اقتصاد روستایی، تفرق مدیریت روستایی، شکل‌گیری فضاها زیست غیررسمی و تغییرات سرمایه اجتماعی عمده‌ترین پیامدهای الحاق روستاها به شهر ارومیه است.

واژه‌های کلیدی: سکونتگاه‌های روستایی، تقسیمات کشوری، الحاق روستا به شهر، روستاهای پیرامونی، ارومیه.

مقدمه :

نظام تقسیمات کشوری، تقسیم سرزمین به واحدها یا اجزای کوچک‌تر به منظور اداره آسان‌تر سرزمین از ابعاد مختلف مدیریتی، امنیتی، برنامه‌ای و توسعه‌ای است (ودیدی، ۱۳۵۴:۱۹۹). این نظام در حفظ وحدت و یکپارچگی ملی، امنیت سرزمینی، همگرایی ملی، تمرکززدایی و واگرایی نواحی حاشیه‌ای و همچنین در روند توسعه ملی اثربخش است. نظام تقسیمات سیاسی در واقع بستر و چارچوب ساختار تشکیلات اداری کشور را تعیین کرده (Muir, 1981:211) و بین این نظام و ساختار مدیریت سرزمینی ارتباط نزدیکی پدید می‌آورد. واحدها و عناصر (سطحی و نقطه‌ای) تقسیمات کشوری، کارکردهای مختلفی دارند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۶:۲۸). از جمله مهم‌ترین کارکردهای تقسیمات کشوری، تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی است که مورد اهتمام تمام نظام‌های سیاسی قرار دارد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۷۵:۳۶۹). نظام سیاسی متمرکز در قالب تقسیمات سرزمینی، با تجمع بخش زیادی از خدمات و امکانات در شهرهای بزرگ، با فراهم نمودن زمینه مهاجرت‌های روستایی - شهری به نواحی روستایی پیرامون کلانشهرها، رشد بی‌رویه آنها را فراهم نموده است. نظام تقسیمات کشوری در جهان و ایران درباره کلانشهرها و نواحی پیرامون آنها، با اشکال مختلفی روبرو بوده است. در ایران یکصد سال اخیر و به تبع رشد فزاینده کلانشهرها، نواحی روستایی پیرامون آنها نیز با تحول و جمعیت‌پذیری غیرمتعارف مواجه شده‌اند. از آنجا که مناطق کلانشهری از پدیده‌های نو در شهرنشینی قرن بیستم محسوب می‌شود، ساختار فضایی متفاوت و ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند. این مناطق با هر شکل از نظام تقسیمات سرزمینی، مجموعه‌هایی شهری‌اند که حداقل یک شهر بزرگ اصلی و نواحی روستایی، گستره‌های طبیعی و اراضی کشاورزی آن را در بر می‌گیرند (بحیرایی و همکاران، ۱۳۹۵:۵۸).

روستاهایی که در حوزه نفوذ و حاشیه شهرها قرار دارند، به سبب رشد شتابان جمعیت و گسترش فیزیکی آنها، با آسیب و تهدید بیشتری روبرو هستند و گاهی از سوی شهرها بلعیده شده و در گذر زمان در محدوده رسمی شهر الحاق و ادغام می‌شوند. الحاق یا ادغام، هنگامی پدیدار می‌گردد که مرزهای یک حوزه شهری معین به عرصه‌های حاشیه‌ای گسترش می‌یابد و اجزای فضایی حاشیه‌ای‌شان را به خود ملحق می‌سازد (Caves, 2005). در این مواقع، پدیده الحاق یا ادغام سکونتگاه‌های روستایی در حوزه کلانشهری - که به نوبه خود از پدیده‌های مرتبط با فرآیند جهانی شدن بشمار می‌آید - به عنوان پدیده‌ای در نظام تقسیمات کشوری تجلی می‌گردد. این پدیده به لحاظ سیاسی و اداری موجب جذب سرمایه‌گذاری‌ها، گسترش کارکردهای اداری و خدماتی و به تبع آن پذیرش مهاجرین روستایی در روستاهای پیرامون کلانشهرها شده است (عزیزی و یارمحمدی، ۱۳۹۳:۱۰۴). پدیده الحاق، در حوزه تقسیمات کشوری حاشیه کلانشهرها، ضمن پیدایش ناحیه‌ای ناهماهنگ با ترکیبی از ویژگی‌های روستایی - شهری، موجب ناپایداری اقتصاد تولیدی روستا، تغییر کاربری گسترده زمین‌های کشاورزی و نهایتاً از بین رفتن روستاهای مولد و تبدیل آنها به یک محله شهری شده است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری پدیده الحاق و ادغام اثرگذار است. نظام تقسیمات کشوری متمرکز یکی از اصلی‌ترین عوامل اثرگذار به شمار می‌رود. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است، با هدف تحلیل عوامل اثرگذار بر الحاق سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر به شهر ارومیه، مبتنی بر چارچوب تقسیمات کشوری به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: چه عواملی در الحاق سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر به شهر ارومیه اثرگذار است؟ و پیامدهای ناشی از الحاق سکونتگاه‌های روستایی به شهر چیست؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

سازمان‌دهی سیاسی فضا، جهت کنترل و اداره مؤثر سرزمین یکی از مهم‌ترین عوامل قلمروسازی به شمار می‌رود که اساس هر حکومتی را تشکیل می‌دهد و از چنان اهمیتی برخوردار است که همانند هوا برای تنفس است (Ansell & Palma, 2002:)

^۱ ادغام (Annexation) (از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) پایه شکل‌گیری در برخی از نظام‌های تقسیماتی حوزه کلانشهری در اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر در اتحادیه اروپا می‌توان چندین مفهوم متفاوت از ادغام را شناسایی نمود. یکی از تعاریفی که اغلب کاربرد دارد، تعریف ارائه شده توسط اولین پروژه رسمی ESDP می‌باشد که عبارت است از: ادغام فضایی بیانگر فرصت‌هایی برای یکپارچگی و سطح یکپارچگی (اقتصادی، فرهنگی) در درون نواحی و در بین نواحی است و ممکن است منعکس‌کننده تمایل و گرایش به همکاری باشد. همچنین نشان‌دهنده سطوح ارتباط‌پذیری بین مقیاس‌های مختلف جغرافیایی است. ادغام فضایی به طور مثبتی تحت تأثیر بدنه‌های اداری - اجرایی کارآمد، تکمیل‌گری فیزیکی و کارکردی بین نواحی و عدم وجود جدال‌های فرهنگی و سیاسی قرار می‌گیرد (Uszkai, 2015:24). در پژوهش حاضر، مقصود از ادغام فضایی، الحاق یا ادغام (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی) فضاهای روستایی حاشیه کلانشهرها به شهر است.

۲. سازمان‌دهی سیاسی فضا، از اهم مسائلی است که یک کشور برای انجام برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، فضایی و مدیریت بهتر سرزمین به آن توجه می‌کند. مادامی که تقسیمات کشوری صحیح وجود نداشته باشد، بازده هرگونه برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی ناچیز و احتمالاً مغشوش خواهد بود (رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۵)؛ بنابراین، دولت‌ها چه در ادوار تاریخی گذشته و چه در حال حاضر برای اداره امور و مدیریت بهینه سرزمین خود، اعمال فرمانروایی، توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، توسعه سرزمین، بهره‌برداری منطقی و مطلوب از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و غیره با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۴)، اقدام به آرایش بهینه قلمرو سرزمینی و سازمان‌دهی سیاسی فضا می‌نمایند. سازمان‌دهی سیاسی فضای هر کشوری در قالب تقسیمات کشوری به اجرا در می‌آید (Tumanyan, 2005: 21). سیستم تقسیمات بهینه و کارآمد یک عامل مهم در افزایش کارایی سیستم مدیریت سیاسی فضا در کل کشور است (Ibid). نظام‌های حکومتی برای مدیریت سرزمین و اداره بهینه قلمرو تحت حاکمیت در کشورهای مختلف در قالب تقسیمات کشوری، از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کنند.

با بررسی ادبیات روش‌های مدیریت سرزمین اعم از نظام‌های حکومتی بسته یا نظام باز، پنج شیوه یا الگو کاملاً مشهود است که عبارت‌اند از: بسیط یا تک ساخت، فدرال، ناحیه‌ای، محلی و فدرالی (نمونه کردستان عراق). در میان این الگوها، دو الگوی بسیط و محلی در این تحقیق بیشتر مورد تأکید است. الگوی بسیط یا متمرکز، سیستمی است که در آن همه اختیارات و اقتدار در کانونی واحد قرار داشته و قدرت و کارگزاران آن به صورت قانونی در سراسر کشور حضور دارند (Finer, 1971: 244). تجارب بین‌المللی حاکمیت در این سیستم نشان می‌دهد که غالباً غیرمنتزاع و جدایی‌ناپذیر است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۱۲). الگوی حکومتی بسیط، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های مکانی و محلی، به مدیریت و سازمان‌دهی کشور در سطح ملی اقدام می‌کند و به مردم یک کشور اجازه حضور در عرصه تصمیم‌گیری و مدیریت سرزمین را نمی‌دهد. در این الگو، ساختار مرکزی، تمامی مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود داشته و میزان قدرت آن‌ها را تعیین می‌کند (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۱). تمرکز نظام تقسیمات کشوری در این الگوی مدیریتی و حکومتی رایج‌تر است. الگوی محلی سیستمی است که برای مدیریت سرزمین، دولت مرکزی، مدیریت بهینه امور محلی، حق و اختیار تصمیم‌گیری - و گاهی امکانات مادی لازم را - به نهادهای محلی که متصدیان آن بسته به توسعه سیاسی کشور از سوی مردم همان محل انتخاب شده‌اند، واگذار می‌نماید (همان). نوع حجم، حدود و سطح اختیارات آنان در چهارچوب قوانین ملی مشخص می‌شود (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۴). الگوی مدیریت محلی که جزئی از ساختار حکومت و دولت ملی است، صرف‌نظر از نوع الگوی حکومتی (فدرال، ناحیه‌ای و بسیط)، سطح زیرین سازمان کشور یا دولت را تشکیل می‌دهد و به عنوان واسطه و سطح اتصال نظام سیاسی با شهروندان و سکنه مقیم در سکونتگاه‌های شهری و روستایی عمل می‌نماید (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۴۳۶-۴۳۵).

تقسیمات کشوری عبارت است از عملی که هدف آن تقسیم کشور به واحدهای کوچک‌تر به منظور اداره بهتر آن است. در واقع، تقسیمات کشوری ساختار اداری - سیاسی و سرزمینی کشور به صورت سلسله‌مراتبی است که از طریق تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر همراه با سیستم دولت محلی، موجب توجه به ساختارهای ملی و کمیته جمعیت، تخصیص بهینه نیروهای تولیدی، ایجاد شرایط و ابزارهایی برای عرضه خدمات اجتماعی، اقتصادی، فردی و غیره به جمعیت، حضور نزدیک و ملموس‌تر دولت محلی در بین مردم و سرانجام تضمین توسعه عملکردهای دولت محلی می‌شود (Venice commission, 2004: 4). دولت‌ها برای مدیریت سرزمین و ارائه خدمات بهتر و بیشتر به مردمان، صرف‌نظر از نوع نظام سیاسی حاکم بر آن، با تقسیم‌بندی فضای کشور، سازمان اداری - سیاسی خود را در بُعد جغرافیایی و فضایی تا سطح محلی می‌گسترانند که از این کار به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود (علی‌محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۹). نظام تقسیمات کشوری در ایران، ظرف و چارچوب ساختار تشکیلات اداری - سیاسی کشور با سلسله‌مراتب کشور، استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر و روستا است. حوزه فعالیت آن برنامه‌ریزی‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و به طور اعم مدیریت بهینه سرزمین با برقراری نظام مطلوب سیاسی و استقرار سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، منطقه‌ای و محلی است. از

بین حوزه‌های فعالیت نظام تقسیمات کشوری، محور پژوهش حاضر الحاق واحدهای تقسیماتی است که موضوع ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۳ بوده است. این الحاق در قالب فضا به دو شکل روستا به شهر و روستا به روستا بر مبنای قوانین مصوب مطرح است. چنین به نظر می‌رسد که این قوانین درباره الحاق یا ادغام روستا به کلانشهر که به طور شایع به پدیده‌ای فراگیر در نواحی حاشیه‌ای کلانشهرهای کشور در آمده است، جامعیت کافی را ندارد. از این‌رو، در این تحقیق الحاق و ادغام فضایی روستاهای پیرامون کلانشهرها، مبتنی بر چارچوب تقسیمات کشوری مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعات متعددی در زمینه الحاق و ادغام روستا به شهر در ایران انجام شده است. مطالعه صفایی پور و همکاران (۱۳۹۶)، ظاهری و رحیمی پور (۱۳۹۳) در شهر تبریز، شفیع‌ی ثابت (۱۳۹۳) در شهر تهران، نجفی کانی و همکاران (۱۳۹۲) در شهر گرگان، قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۲) در شهر سمنان، اصغری زمانی و همکاران (۱۳۹۲) در شهر تبریز، احمدیان و قاسمی (۱۳۹۲) در شهر مشهد، نمونه‌هایی از این‌هاست که نشان می‌دهد الحاق روستاها به شهرها بویژه در ناحیه کلانشهرها فاقد برنامه، ضابطه خاص بوده و در قالب‌های غیرمتعارف صورت گرفته است.

روش تحقیق:

مطالعه حاضر به تبعیت از پارادایم تفسیرگرایی، پژوهش کیفی بوده و از روش مطالعه موردی برای انجام عملیات تحقیق استفاده نموده است. این روش به سوژه‌های تحت مطالعه امکان صحبت داده و همه واقعیات را از منظر آنان منعکس می‌سازد (محمدپور، ۱۳۸۷: ۱۵). پژوهش حاضر به لحاظ نوع آن، کاربردی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، خبرگان و مطلعین کلیدی سازمان‌های مرتبط در امور شهری و روستایی (اعم از استانداری، فرمانداری، بخشداری، شهرداری، راه و شهرسازی، بنیاد مسکن، اداره برق، شرکت مخابرات و آب منطقه‌ای) بوده است. روش نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی با تکیه بر نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است. افراد مصاحبه شونده یا حجم نمونه با توجه به اشباع نظری سوالات تعیین شده است (Strauss, et al, 1998:292). ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مشاهده و مصاحبه بوده است. بدین معنی که ضمن انجام مشاهده نیمه ساختارمند، با ۴۲ نفر از سازمان‌های مرتبط شهری و روستایی مصاحبه نیمه ساختارمند و عمیق صورت گرفته است. از این تعداد مصاحبه شوندگان، ۹۳ درصد مرد و ۷ درصد زن بوده است. همچنین ۷۶/۲ درصد دارای تحصیلات تکمیلی (دکتری و فوق لیسانس) و ۲۳/۸۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس بوده‌اند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تئوری زمینه‌ای به عنوان رویکردی از روش‌شناسی کیفی، استخراج و تحلیل شدند. شایان ذکر است که محقق برای اطمینان‌پذیری از یافته‌های پژوهش، از روش کنترل اعضا استفاده نموده است.

محدوده مورد مطالعه:

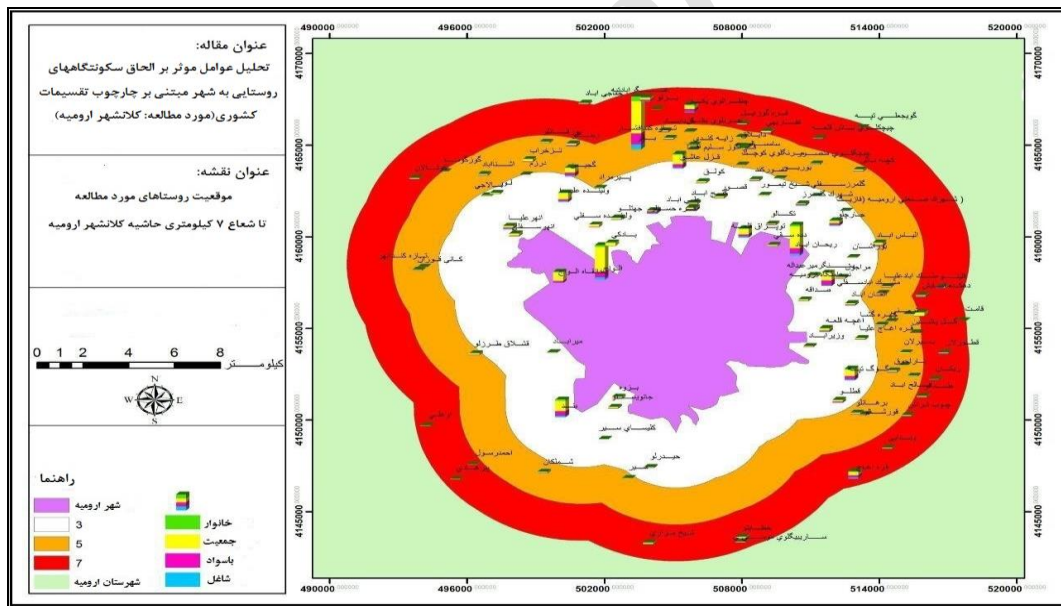
محدوده مورد مطالعه، کلانشهر ارومیه و روستاهای پیرامون آن تا شعاع ۷ کیلومتری واقع در شهرستان ارومیه تعریف شده است. این شهرستان بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۵ شهر (ارومیه، قوشچی، نوشین‌شهر، سیلوانه، سرو) و ۵ بخش به نام‌های مرکزی، انزل، سیلوانه، صومای بردوست و نازلو است که با ۲۰ دهستان و ۶۶۲ روستا (۶۳۶ روستا دارای سکنه و ۲۶ روستا بدون سکنه)، ۷۵۱۰۰ خانوار و ۲۸۹۷۵۵ نفر جمعیت روستایی (۱۵۰۸۲۵ نفر مرد و ۱۳۸۹۳۰ نفر زن) سازمان یافته است. جمعیت شهر ارومیه نیز، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۲۲۴،۷۳۶ نفر اعلام شده است. این شهر به عنوان مرکز استان آذربایجان غربی و شهرستان ارومیه در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر قرار گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). جدول شماره ۱ توسعه کالبدی شهر ارومیه را در بستر تاریخی نشان می‌دهد.

جدول ۱ - تحولات فیزیکی کلانشهر ارومیه (۱۳۳۰ - ۱۳۹۳)

سال	مساحت شهر (هکتار)	تغییر مساحت (هکتار)
۱۳۰۰	۲۷۷	—
۱۳۳۰	۳۰۰	۲۳
۱۳۳۵	۳۸۵	۸۵
۱۳۴۵	۷۴۷	۳۶۲
۵۰-۱۳۴۹	۱۴۰۰	۶۵۳
۱۳۶۵	۳۶۶۵	۲۲۶۵
۱۳۶۹	۴۹۱۴	۱۲۵۲
۱۳۷۵	۷۰۰۰	۲۰۸۶
۱۳۸۱	۷۲۰۰	۲۰۰
۱۳۸۵	۸۵۷۰	۱۳۷۰
۱۳۹۰	۹۳۲۰	۷۵۰
۱۳۹۳	۱۰۵۴۸	۱۲۲۸

منبع: طرح جامع، ۱۳۸۹: ۶۱؛ مهندسین مشاور طرح آمایش و سرزمین، ۱۳۸۹: ۱۷؛ جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲.

در تحقیق حاضر سکونتگاه‌های روستایی تا شعاع ۷ کیلومتری حاشیه کلانشهر ارومیه مورد مطالعه بوده است که در مجموع ۱۰۱ روستا را در بر می‌گیرد. شعاع مورد اشاره در قالب سه طیف فاصله‌ای در گروه روستاهای پیرامونی واقع در صفر تا ۳ کیلومتری (اول)، ۳ تا ۵ (دوم) و ۵ الی ۷ کیلومتری (سوم) مورد بررسی قرار گرفته است (شکل شماره ۲). در شعاع اول از طیف فاصله‌ای مذکور، ۴۱ روستا با ۶۹۰۱۶ نفر جمعیت، در شعاع دوم ۳۷ روستا با ۲۴۴۴۵ نفر و در شعاع سوم ۲۳ روستا با ۷۳۷۰ نفر جمعیت، واقع شده است (نویسندگان، ۱۳۹۶).



شکل ۱- موقعیت روستاهای مورد مطالعه تا شعاع ۷ کیلومتری حاشیه کلانشهر ارومیه - منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

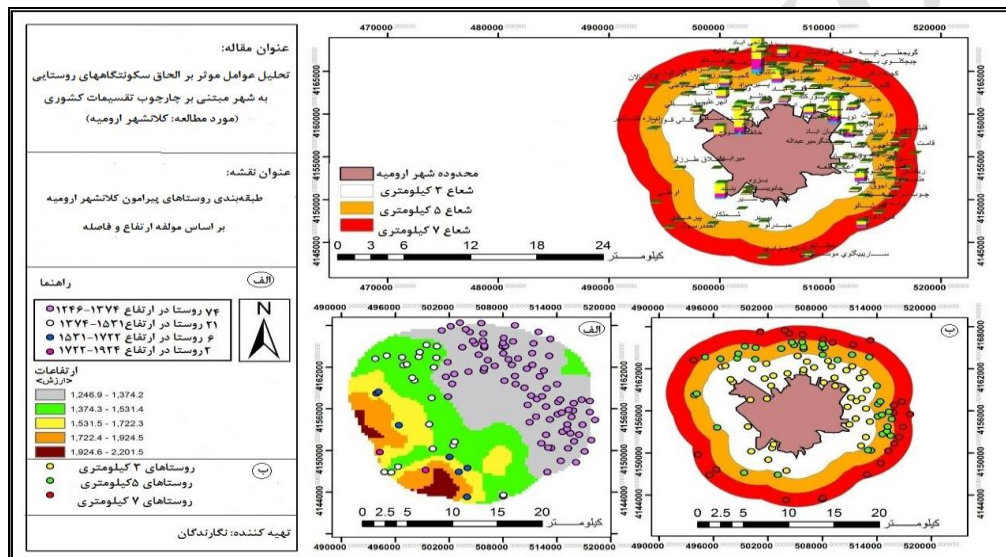
نحوه توزیع و پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی بر مبنای فاصله نشانگر آن است که فاصله از مراکز کلانشهرها یکی از عوامل تأثیرگذار بر نظام استقرار جمعیت در روستاها محسوب می‌شود. بدین معنی که هر اندازه به شهر نزدیکتر می‌شود، جمعیت روستاها و نرخ رشد آن افزایش می‌یابد. از اینرو جمعیت روستاهای واقع در شعاع ۳ کیلومتری از حدود ۴۱۶۹۴ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۶۹۰۱۶ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نرخ رشد سالانه جمعیت روستاهای واقع در شعاع ۳ کیلومتری شهر ارومیه در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ برابر با ۵/۲ درصد بوده است؛ اما نرخ رشد سالانه جمعیت روستاهای واقع در شعاع ۵ و ۷ کیلومتری کلانشهر ارومیه، به ترتیب برابر با ۱/۸۲ و ۱/۱۸- درصد بوده است (جدول شماره ۲).

جدول ۲- نرخ رشد جمعیت روستاهای واقع در شعاع ۳، ۵ و ۷ کیلومتری کلانشهر ارومیه

نرخ رشد (درصد)	۱۳۹۵		۱۳۸۵		تعداد	طبقات روستایی
	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت		
۵/۳	۲۲۹۸۹	۶۹۰۱۶	۱۰۰۴۹	۴۱۶۹۴	۴۱	روستاهای واقع در شعاع ۳ کیلومتری
۱/۸۲	۶۷۵۵	۲۴۴۴۵	۴۹۱۷	۲۰۴۲۱	۳۷	روستاهای واقع در شعاع ۵ کیلومتری
-۱/۱۸	۳۳۲۶	۷۳۷۰	۲۲۱۴	۸۲۹۹	۲۳	روستاهای واقع در شعاع ۷ کیلومتری

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

از دیگر عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع فضایی سکونتگاه‌ها، ارتفاع است. شکل شماره ۳ نشان دهنده آن است که با افزایش ارتفاع در ناحیه مورد مطالعه، تراکم سکونتگاه‌های روستایی کاهش می‌یابد. بر اساس طبقه‌بندی مبتنی بر ارتفاع، بیشترین تعداد سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه در طبقه ارتفاعی ۱۳۷۴-۱۲۴۶ متر (به تعداد ۷۴ روستا) که عمدتاً نیمه شرقی را در بر گرفته و منطقه‌ای دشتی بشمار می‌رود، قرار دارد. بدین معنی که با حرکت از ارتفاعات به سمت اراضی هموار دشت، بر تمرکز و تجمع روستاها افزوده شده است. مسئله مذکور نشانگر تجمع (تراکم) روستاها در گستره دشت‌ها (حوزه شرقی) و تفرق (پراکندگی) روستاها در فضاهای کوهستانی (حوزه غربی) است.



شکل ۳- طبقه‌بندی روستاهای پیرامون کلانشهر ارومیه بر اساس ارتفاع و فاصله- منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

سکونتگاه‌های روستایی واقع در پیرامون کلانشهر ارومیه تا شعاع ۷ کیلومتری، بر اساس مؤلفه ارتفاع به پنج طبقه تقسیم شده‌اند. (جدول شماره ۳). در طبقه اول ۷۴ روستا (۷۱/۸۵ درصد) قرار دارد. پس از این طبقه ارتفاعی، در طبقه دوم ۲۱ روستا (۲۰/۳۹ درصد)، در طبقه سوم، ۶ روستا (۵/۸۲ درصد) و در طبقه چهارم ۲ روستا (۱/۹۴ درصد) جای گرفته است. لازم به ذکر است در طبقه پنجم با ارتفاع ۱۹۲۴-۲۲۰۱ متر، هیچ روستایی قرار نگرفته است.

جدول ۳- توزیع سکونتگاه‌های روستایی در طبقات ارتفاعی

روستاها		طبقه ارتفاعی (متر)
درصد	تعداد	
۷۱/۸۵	۷۴	۱۳۷۴-۱۲۴۶
۲۰/۳۹	۲۱	۱۳۷۴-۱۵۳۱
۵/۸۲	۶	۱۵۳۱-۱۷۲۲
۱/۹۴	۲	۱۷۲۲-۱۹۲۴
۰/۰	۰	۱۹۲۴-۲۲۰۱
۱۰۰	۱۰۳	کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

بحث و یافته‌های تحقیق:

برخی از سکونتگاه‌های روستایی حاشیه کلانشهر ارومیه در بستر تاریخی و دوره‌های مختلف بر اثر عوامل گوناگونی جزء شهر شده و در آن الحاق شده‌اند. بعد از استخراج اطلاعات مربوط به عوامل اثرگذار بر الحاق و ادغام روستاهای پیرامون کلانشهر ارومیه، ۶۶ مفهوم اولیه استخراج شد که در مرحله مقوله‌بندی محوری در قالب ۱۵ واحد معنایی طبقه‌بندی شده‌اند. مقولات پانزده‌گانه به دلیل تنوع، گستردگی و پراکندگی موضوعی مجدداً در ۵ مقوله محوری عمده طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدبندی گزینشی نیز ۵ مقوله محوری عمده به یک مقوله هسته منتهی شد. مقوله‌های محوری عمده بدست آمده، عبارت‌اند از: ضعف تقسیمات کشوری، مهاجرت، همجواری جغرافیایی، مدیریت ناکارآمد و نظام اقتصادی متمرکز (جدول شماره ۴).

جدول ۴- مفهوم‌سازی عوامل مؤثر بر ادغام فضایی روستاهای حاشیه کلانشهر ارومیه به شهر

ردیف	مفهوم اولیه	معنایی واحد	مقوله‌های محوری عمده	ردیف	مفهوم اولیه	معنایی واحد	مقوله‌های محوری عمده				
۱	فرصت‌های شغلی	نظام اقتصادی متمرکز	مقوله‌های محوری عمده	۳۱	تمایلات مردمی	موقعیت مکانی	همجواری جغرافیایی				
۲	منابع درآمدی متعدد			۳۲	افزایش تقاضا						
۳	کسب و کارهای متنوع			۳۳	موقعیت دسترسی						
۴	تمرکز مراکز صنعتی و کارگاهی			۳۴	موقعیت جغرافیایی						
۵	اشتغال غیر کشاورزی			۳۵	نزدیکی به شهر (فاصله)	موقعیت دسترسی	همجواری جغرافیایی				
۶	کسب درآمد بیشتر			۳۶	نزدیکی به مراکز کاری						
۷	جریان سرمایه به حاشیه کلانشهرها			۳۷	نزدیکی به مراکز اداری - سیاسی						
۸	دیدگاه‌های اقتصادی غیر شفاف			سیاست اقتصادی	مقوله‌های محوری عمده	۳۸	ساخت‌وسازهای غیرمجاز	ضعف نظام برنامه‌ریزی	مدیریت ناکارآمد		
۹	اقتصاد زمین					۳۹	صدور مجوز بی‌رویه				
۱۰	سرمایه‌گذاری پیراشهری					۴۰	عدم وجود سازوکارهای نظارتی				
۱۱	گسترش روابط سرمایه‌داری					۴۱	فقدان نظارت مؤثر				
۱۲	سیاست‌های مالی - اقتصادی	۴۲	برنامه‌ریزی ضعیف								
۱۳	کسب سود	۴۳	نداشتن برنامه کارآمد								
۱۴	بورس‌بازی زمین	۴۴	برون‌زا بودن برنامه‌ها								
۱۵	وجود زمین و مسکن ارزان	۴۵	گسترده‌گی شهری								
۱۶	زمین‌خواری	سرمایه‌داری مستغلات	مقوله‌های محوری عمده			۴۶	سیاست‌های نوسازی			رشد فضایی	مدیریت ناکارآمد
۱۷	درآمدهای نفتی					۴۷	طرح‌های شهرک‌سازی				
۱۸	انباشت سرمایه‌های نفتی (یارانه‌ها)			۴۸	شهرنشینی بی‌برنامه						
۱۹	اشباع سرمایه داخل شهری			۴۹	گسترده‌گی روستایی						
۲۰	توزیع نابرابر درآمد	انباشت سرمایه	مقوله‌های محوری عمده	۵۰	اشباع فضای داخل شهری	ضعف قوانین	ضعف تقسیمات کشوری				
۲۱	نابرابری در برخورداری از شاخص‌های بهداشتی			۵۱	فقدان استراتژی مطلوب						
۲۲	نابرابری در برخورداری از شاخص‌های آموزشی			۵۲	تبصره‌های متعدد						
۲۳	مشکلات اقتصادی			۵۳	ضعف قوانین						
۲۴	تنوع‌بخشی به درآمد			۵۴	تناقض درونی قانون						
۲۵	کمبود درآمد			۵۵	انعطاف‌ناپذیری قانون‌ها						
۲۶	بیکاری			۵۶	عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی						
۲۷	مسائل معیشتی			۵۷	تمرکز قدرت اداری - سیاسی						
۲۸	افزایش جمعیت			اقتصاد خرد (خانوار)	مقوله‌های محوری عمده			۵۸	تصمیم‌سازی‌های سیاسی	فشارهای سیاسی	ضعف تقسیمات کشوری
۲۹	جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر							۵۹	نفوذ سیاسی		
۳۰	حرکت افراد کم‌درآمد شهری به روستاهای پیرامون شهر	۶۰	افزایش حریم شهر								
		۶۱	رقابت بین روستاها								
		جمعیت مکانی	مقوله‌های محوری عمده	۶۲	رقابت بین سطوح	رقابت مکانی	ضعف تقسیمات کشوری				
				۶۳	سلسله مراتبی بودن تقسیمات سیاسی						
				۶۴	ساختار متمرکز						
				۶۵	تمرکز خدمات						
				۶۶	سهم بری بالای روستاهای پیرامونی شهرها						

مقوله هسته: تقسیمات کشوری متمرکز

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

ضعف نظام تقسیمات کشوری: سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهرها در دوره تحول و الحاق در شهر از عوامل متعددی تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌اند. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش، یکی از مهم‌ترین عوامل در الحاق روستاها، نظام تقسیمات کشوری با ساختاری متمرکز و ضعف قوانین است. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش چنین اظهار می‌دارد: «... ساختار متمرکز یعنی اینکه، کانون‌ها همیشه انبساط فضایی پیدا می‌کنند. فضاهاى برخوردار مثل ارومیه، مشهد، تهران و تبریز تحت تأثیر ساختار متمرکز در کشور رشد فضایی پیدا می‌کنند، روستاهای حریم را در خود هضم می‌کنند...». مشارکت‌کننده دیگری چنین بیان می‌کند: «متأسفانه نظام کنونی تقسیمات به گونه‌ای است که با افزایش تبصره‌های متعدد، روزه‌روز از جمعیت روستاها کم می‌کند و بر جمعیت شهرها می‌افزاید... در قوانین نظام تقسیمات کشوری فعلی روستاها، بی‌محابا به دلیل نبود قانون مشخصی در شهرها حل می‌شوند...».

تبصره ۲ ماده ۳ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک، سبب شده است که بسیاری از روستاهای حریم شهرها در پی تصمیم‌گیری‌ها و فشارهای سیاسی به عنوان نواحی منفصل یا متصل به محدوده شهری افزوده شده یا به شهر ارتقاء پیدا کنند. در همین راستا، یکی از مشارکت‌کنندگان چنین اظهار می‌دارد: «... متأسفانه امروزه ملاک تبدیل روستاها به شهر و الحاق روستاهای حریم شهر به شهر تحت تأثیر فشارهای سیاسی است. فشارهای برخی از مسئولان به دفتر تقسیمات کشوری واقع در وزارت کشور و هیئت دولت در این رابطه بسیار تأثیرگذار است...». تقسیمات کشوری فعلی به دلیل متمرکز نمودن تمامی خدمات و امکانات در مراکز شهری، بسترساز مهاجرت مردم به روستاهای واقع در پیرامون کلانشهرها برای دستیابی به انواع خدمات شده‌اند.

مهاجرت: مشارکت‌کنندگان پژوهش، مهاجرت و سرریزهای جمعیتی پس از تقسیمات سیاسی را یکی از عوامل مؤثر بر الحاق روستاها به شهر ارومیه ذکر کرده‌اند. مشکلات اقتصادی، بیکاری، درآمد کم در قالب اقتصاد خرد - خانوار - باعث می‌شود تعداد زیادی از خانواده‌های کم‌درآمد شهرهای مجاور، روستاهای دوردست برای امرار معاش به حاشیه شهر ارومیه و روستاهای واقع در پیرامون آن دست به مهاجرت بزنند و این مهاجرت را پاسخ منطقی به شرایط اقتصادی بدانند.

روستای ریحان‌آباد در شمال شرقی شهر، واقع در شعاع ۳ کیلومتری ارومیه، به دلیل فاصله اندک، پذیرای مهاجرین از روستاهای دوردست بویژه شهرستان ماکو است. روستای مذکور، مصداق بارز سرریزهای جمعیتی پس از تقسیمات سیاسی - متمرکز - است. این یافته، با مطالعه بایون و اسپارزا^۵ (۲۰۰۵) در مورد سرریزهای جمعیتی پس از تقسیمات سیاسی، دارای قرابت معنایی است. از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، فاصله، موقعیت دسترسی و موقعیت مکانی روستاهای واقع در پیرامون ارومیه یکی دیگر از علل مهاجرت روستاییان دوردست به این نواحی است که در الحاق روستا به شهر تأثیر بسزایی دارد.

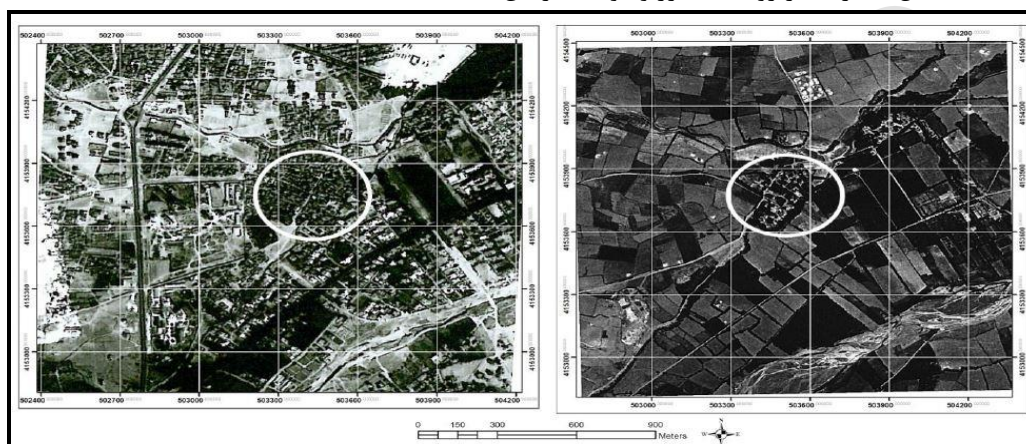
همجواری جغرافیایی: در کنار پدیده مهاجرت، زمانی که روستاهای پیرامون شهر در فواصل بسیار نزدیک به شهر قرار گرفته باشند، با توسعه شهر و گسترش محدوده و حریم آن، ناخودآگاه، به عنوان جزئی از بافت شهری درآمد و نهایتاً در شهر ادغام می‌شوند. به طوری که بر اساس طرح جامع شهر ارومیه، به دلیل گستردگی شهر در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ - ۱۳۸۴، حدود ۱۱ روستا در بافت شهر ادغام شده‌اند. در مطالعات متعدد نقش فاصله و همجواری در شکل‌گیری پدیده الحاق، نشان داده است. آلن گیلبرت و ژوزف گاکلر (۱۳۷۵) فاصله اندک روستاهای پیرامونی با حاشیه شهرها را یکی از عوامل اثرگذار بر الحاق و ادغام روستاها در کلانشهرها بیان داشته‌اند. در این خصوص یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان می‌دارد:

«... روستاهای ریحان‌آباد، الواج، خانقاه الواج و بند از روستاهایی هستند که در اثر مجاورت با شهر ارومیه توسط شهر بلعیده شده و رفته‌رفته بدون برنامه و خودجوش به محدوده قانونی شهر ملحق می‌شوند...». مشارکت‌کننده دیگری چنین اظهار می‌دارد: «... روستاهایی که رفته‌رفته در شهر حل می‌شوند، فقط به دلیل گستردگی بدنه شهری نیست. این روستاها چون در نزدیکی شهری که همه خدمات و امکانات و حتی فرصت‌های شغلی را در خود جای داده است، قرار گرفته‌اند. مدیران طوری برنامه ریختند که همه فرصت‌ها و خدمات را در مراکز شهری جمع کرده‌اند و زمینه‌های مهاجرت به روستاهای پیرامون را فراهم کرده‌اند...».

⁵ Byun and Esparza

مدیریت ناکارآمد: آسیب‌ها و چالش‌های مدیریتی از دیگری عواملی است که در الحاق روستاهای پیرامون کلانشهرها به شهر دخالت دارد. کارایی مدیریت فضا، منوط به تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های به هنگام است که در وضعیت فعلی، درست انجام نشدن آن باعث ناکارایی مدیریت شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان می‌کند:

«... مدیریت ما ضعیف است، سیاستگذاری به موقع ندارند. اگر به موقع تصمیم‌گیری کنند و کارها را درست انجام دهند، دیگر با ادغام بیش اندازه روستا به شهر، روبه‌رو نمی‌شویم... به جای اینکه همه خدمات را در شهرها، به‌ویژه کلانشهرها متمرکز کند، در روستاها - که زمانی نظام تولیدی بودند و جمعیت کثیری را در خود، جای داده بودند - متناسب با استعدادها آنها (بند الف ماده ۷۵ برنامه چهارم توسعه: بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین) فرصت شغلی ایجاد کنند، دیگر روستایی برای یافتن شغل و تأمین معیشت خانواده‌شان به روستاهای مجاور شهرها مهاجرت نمی‌کند... عملکرد مدیران سیاسی ضعیف است که کلانشهرها به طور شتابان به اطراف و به سمت روستاهای پیرامونی گسترش پیدا می‌کنند...». شکل شماره ۴ از روستای طرزولو مؤیدی بر این مطلب است.



شکل ۴- روستای طرزولو در سال ۱۳۳۵ (تصویر راست) و ادغام آن در شهر در سال ۱۳۷۵ (تصویر چپ). منبع: (نظریان، ۱۳۹۲)

نظام اقتصادی متمرکز: ساختار متمرکز نظام سیاسی و به دنبال آن ضعف‌های مدیریت، بستر ساز تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری شده است. از آنجا که گروه‌های روستایی فاقد شرایط مناسب، به دنبال جذب در ساختار اقتصاد شهری هستند و به دلایل اقتصادی، امکان مهاجرت آنان به شهر با محدودیت‌هایی مواجه است، برای اقامت به سمت روستاهای پیرامون شهر که محل مناسبی برای مهاجرت آنان است، می‌روند. این روستاها، در پی برخورداری از شغل، درآمد، خدمات و امکانات شهری و نزدیک بودن به مراکز شهری تا حد زیادی نیازهای مهاجران را برطرف می‌سازند. چنین فرایندی در کلانشهرها و روستاهای پیرامون که موجب تحول در نظام زمین و مسکن شهرها و روستاهای پیرامون می‌شود، می‌تواند متأثر از نظام اقتصادی متمرکز باشد. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، نظام اقتصادی متمرکز به تبعیت از نظام سیاسی متمرکز، بستر ساز الحاق روستاهای حاشیه‌ای کلانشهرها به شهر بوده است. اقتصاد پدیده‌ای است که تحت تأثیر نظام سیاسی حاکم بر کشورها شکل می‌گیرد و به صورت امری کاملاً سیاسی و حکومتی ظاهر می‌شود. نظام اقتصادی تا اندازه‌ای از نظام سیاسی حاکم (متمرکز) تأثیر می‌پذیرد. بدین معنی که در نظام سیاسی متمرکز، تمام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مراکز شهری متمرکز می‌شود. یکی از افراد مشارکت‌کننده چنین اظهار می‌دارد:

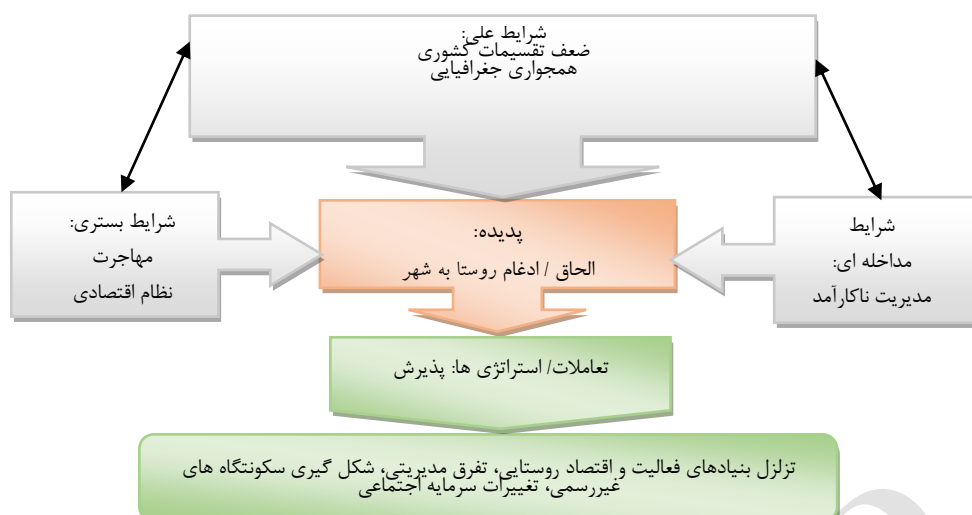
«... نظام سیاسی و حکومتی یا مدیریتی کشور ما متمرکز هست. بر اثر این نظام، تمامی خدمات و امکانات چون آموزش، بهداشت، سرمایه در کلانشهرها جمع می‌شوند و متناسب با این تجمع، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی نیز در این مراکز صورت می‌گیرد. می‌توانم بگویم مسائل اقتصادی به طور غیرمستقیم در ادغام روستا به شهر اثر دارد. وقتی همه فعالیت‌ها و همه آن چیزی‌هایی که برای برآورد نیازهای انسان لازم و ضروری است در شهرهای مرکزی و بزرگ جمع شوند، سرمایه و جمعیت هم از نواحی به این سمت کشیده می‌شود... وقتی که جمعیت رفته‌رفته زیاد شد، ناخودآگاه این روستا به سمت شهر گسترش پیدا می‌کند و در شهر ادغام می‌شود... همین‌ها هستند که باعث می‌شود اراضی حاشیه کلانشهرها ارزش پیدا کنند و زمین‌خواری

ایجاد شود، حاشیه‌نشینی اتفاق بیفتند و قیمت زمین بالا برود...». بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با بنگاه‌ها و مشاورین املاک، متوسط قیمت زمین در محدوده اطراف شهر ارومیه تا شعاع ۵ کیلومتری شهر، ارومیه بر جاده سلماس، جاده نقده و مهاباد در سال ۱۳۷۵ متری ۲۰۰ هزار تومان، در سال ۸۵ یک میلیون تومان و در سال ۹۵ متری به ۳ میلیون تومان افزایش پیدا داشته است. همچنین در ارومیه بر جاده اشنویه، قیمت زمین به همین صورت افزایش پیدا کرده است که نشان‌دهنده دست‌اندازی به اراضی کشاورزی روستاهای حاشیه شهر، رشد قیمت زمین و تضعیف فعالیت‌های اقتصاد روستایی است.

پیامدها: پیامدهای الحاق سکونتگاه‌های روستایی حاشیه کلانشهر به شهر از چندین جنبه قابل بررسی است. تبدیل، ارتقا و الحاق روستا به شهر، علاوه بر اینکه در فرآیند تبدیل شدن باعث از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی، همچون حس تعلق خاطر و اعتماد می‌گردد، موجب حذف و تضعیف فعالیت اقتصاد مولد (کشاورزی و دامداری) در روستاها می‌شود. بعلاوه سوداگری در روستاهای پیرامون شهر رونق گرفته، بنیاد اقتصاد روستایی تضعیف شده و به سمت حذف شدن، جریان می‌یابد. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص می‌گوید: «... بر اساس ضوابط و مقررات شهرسازی، در شهرها امکان کشاورزی و دامداری وجود ندارد، این فعالیت‌ها در نواحی روستایی که به شهر تبدیل شده یا در آن ادغام شده‌اند، با محدودیت مواجه می‌شود و همین مسئله باعث از بین رفتن فعالیت‌های اقتصاد روستایی در این مناطق می‌شود... آن‌ها جزئی از بافت شهر شده‌اند و کار دامداری و کشاورزی در یک محله شهری معنی ندارد...». از دیگر آسیب‌های پدیده الحاق و ادغام شکل‌گیری تفرق مدیریتی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه چنین بیان می‌کند: «... ما مدیریت یکپارچه نداریم، روستایی که به شهر الحاق می‌شود، هم دهیاری دارد و هم شهرداری به آنجا خدمات ارائه می‌دهد. وقتی روستایی، جزئی از شهر شد باید یک مدیر داشته باشد ... ما در قانون‌هایمان ابهام داریم...».

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، مهاجرت به روستاهای واقع در پیرامون شهرها به دلیل داشتن فاصله کمتر با مراکز شهری و تمرکز انواع فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های اقتصادی، موجب شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود. این پدیده که از پیامدهای مهم الحاق یا ادغام روستا به شهر است، خود علت ایجاد پدیده الحاق نیز به شمار می‌رود. بدین معنی که به مرور زمان، موجب گسترش روستا به سمت شهر شده و نهایتاً منجر به ادغام روستا در شهر می‌گردند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص چنین بیان می‌کند: «... الآن حاشیه پُر رنگ‌تر از متن شهر شده ... شهر به لحاظ سرمایه‌گذاری اشباع شده و سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری به حاشیه شهر کشیده شده‌اند... اینها هم به نوبه خود در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر دارد. سکونتگاه‌های غیررسمی در سال ۱۳۹۵ حدود ۲۵۰۰ هکتار از اراضی نواحی پیرامون کلانشهر ارومیه را به خود اختصاص داده است. اسلام‌آباد، علی‌آباد، حسین‌آباد، حاجی پیرلو، وکیل‌آباد، جلوچاپان، شاهرخ آباد و محله صمدزاده از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی ارومیه هستند...».

مفهوم تقسیمات کشوری متمرکز به‌مثابه مقوله هسته مفهومی است که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش داده و همچنین جنبه تحلیلی داشته باشد. درک عوامل مؤثر بر الحاق یا ادغام فضایی سکونتگاه‌های روستایی حاشیه کلانشهر به شهر به مثابه تقسیمات کشوری متمرکز در قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه در قالب یک مدل شامل شرایط علی، شرایط بستری و مداخله‌گر و پیامد آن در شکل شماره ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵- مدل زمینه‌ای عوامل تأثیرگذار بر ادغام فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر ارومیه- به مثابه تقسیمات کشوری متمرکز

بر اساس مقوله هسته که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارائه شده است، کارشناسان و متخصصان شهری و روستایی بر این باورند که نظام تقسیمات کشوری متمرکز موجب تمرکز همه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کلانشهرها شده و بسترهای مهاجرت روستاییان به شهرها و روستاهای پیرامون آن را فراهم نموده و نهایتاً الحاق روستاهای پیرامون به شهر شده است. پدیده الحاق روستاهای پیرامون کلانشهر ارومیه تحت تأثیر شرایط خاصی بوده است. شرایط مذکور در امتداد با یکدیگر امکان وقوع پدیده‌ای به نام الحاق و ادغام سکونتگاه‌های روستایی را فراهم آورده است. با شکل‌گیری پدیده الحاق روستا به شهر، برنامه ریزان و تصمیم‌گیران در برابر آن تعاملات را انجام داده و استراتژی‌هایی برای رفع معضلات داشته‌اند.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

گسترش فیزیکی شهر ارومیه، سبب تغییر در وضعیت کاربری اراضی منطقه و روستاهای پیرامونی شده است. از سال ۱۳۴۳ به بعد در پی دگرگونی‌های گوناگون در ساختار شهری، مهاجرت به ارومیه و گسترش کالبدی شهر، زمینه الحاق روستاهای پیرامون به شهر را فراهم نموده است. همچنین، تقسیمات کشوری متمرکز در قالب پنج گانه ضعف تقسیمات کشوری، همجواری جغرافیایی، مدیریت ناکارآمد و نظام اقتصادی متمرکز، بستر را برای مهاجرت به روستاهای پیرامون کلانشهرها فراهم نموده و نهایتاً الحاق روستاها به شهر را در پی داشته است. این یافته با نتایج چند تحقیق دیگر مشابهت دارد. همانند ایران‌دوست (۱۳۸۹)، گیلبرت و کالگر (۱۳۷۵)، فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰)، کرادز و اولفارسون^۶ (۲۰۰۲) و فرهودی و محمدی (۱۳۸۴) که در مطالعات خود، مهاجرت، فاصله (همجواری جغرافیایی) و تقسیمات سرزمینی از طریق گسترش شهری را، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر الحاق روستاها به شهر ذکر نموده‌اند. تضعیف بنیان‌های فعالیت و اقتصاد روستایی، تفرق مدیریتی، شکل‌گیری فضاهای زیست غیررسمی و کاهش سرمایه اجتماعی بر اساس نتایج تحقیق عمده‌ترین پیامدهای منفی پدیده الحاق روستاهای پیرامون به شهر را تشکیل می‌دهد. تفرق مدیریتی و نبود مدیریت یکپارچه در مطالعه صفایی پور و همکاران (۱۳۹۶)، تضعیف بنیان‌های فعالیت و اقتصاد روستایی و شکل‌گیری فضاهای زیست غیررسمی و تغییرات سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های بروان و شاکسمیت^۷ (۲۰۱۶) و شکوروبا و همکاران^۸ (۲۰۱۶) به عنوان پیامدهای شهری شدن نواحی روستایی پیرامون شهرها مورد اشاره قرار گرفته است که از این نظر با پژوهش حاضر همسو است. الحاق و ادغام سکونتگاه‌های روستایی به شهر، فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که فراخور شرایط مکانی و زمانی تحت تأثیر تقسیمات کشوری متمرکز

⁶ Carruthers and Ulfarsson

⁷ Brown & Schucksmith

⁸ Shkaruba et al

شکل گرفته است. نگاهی تک‌بعدی به پدیده الحاق، نه تنها بقاء سکونتگاه‌های روستایی را به مخاطره انداخته، بلکه مشکلات ناشی از آن دامنه سکونتگاه‌های شهری را نیز در بر گرفته و منجر به شکل‌گیری فضای زیست غیررسمی (سکونتگاه‌های غیررسمی) شده است. در این پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

✓ بازنگری در تبصره ۲ ماده ۳ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴. این تبصره سبب شده که عملاً برخی نواحی منفصل به محدوده شهری افزوده گردند، در حالی که قبل از الحاق، کنترل و مدیریت آن تحت نظارت شهرداری نبوده و این امر خود منجر به دوگانگی ساختار فضایی شهر و عدم تعادل در سطح کلانشهری گردد.

✓ بازنگری در تبصره ۴ ماده ۳ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴. بر اساس این ماده و تبصره، اعطای اختیار به دهیاری‌های واقع در حریم شهرها برای صدور مجوز و نظارت بر ساخت‌وساز در محدوده و حریم روستا، موجب افزایش تفرق مدیریتی در حریم شهرها و کلانشهرهای کشور می‌شود.

✓ رفع ابهام درونی در ماده ۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ و تبصره ۱ ماده ۳ همان قانون. ماده ۲ قانون مصوب می‌گوید: حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوطه تجاوز ننماید؛ اما مطابق تبصره ۱ ماده ۳ قانون، شهرداری شهر مجاور حق دخالت در ساخت‌وساز و سایر امور روستای واقع در حریم خود را ندارد. این، بدان معنی است که طبق این قانون، شهرداری حق نظارت و دخالت بر بخشی از حریم خود را ندارد.

✓ تدوین قوانین مدیریت یکپارچه در شهرهای دارای نقاط الحاقی؛

✓ تغییر رویکرد و ایجاد نگرش یکسان نسبت به ارائه خدمات و تدوین قوانین شهر و روستا و جلوگیری از تجمیع خدمات و امکانات در مراکز شهری با تکیه بر تمرکززدایی؛

✓ بازتعریف تاریخی روستای توپراق قلعه در حاشیه شمالی شهر ارومیه. روستای توپراق قلعه به دلیل وجود قلعه‌ای به همین نام که بر اساس منابع موجود در دوره ایلخانان ساخته شده و در دوره صفویه به اوج شهرت و عظمت خود رسیده است، از بافت تاریخی برخوردار است؛ اما این روستا که در یک کیلومتری شهر ارومیه قرار دارد در گذر زمان به دلیل ساخت‌وسازها و گسترده‌گی شهر ارومیه هویت تاریخی خود را از دست داده است. به طوری که همه سطح قلعه به دلیل گسترده‌گی شهر ارومیه و ادغام فیزیکی روستا در شهر، اشغال شده است. لازم است چنین روستاهایی برای بدست آوردن هویت خودشان، بازتعریف تاریخی گردند.

✓ بازآفرینی پایدار روستایی محلات ناسامان در حوزه شهری ارومیه.

منابع و مأخذ:

۱. اجلالی، پرویز (بهار ۱۳۸۱): «الگوی مدیریت سرزمین ایرانی و تمرکززدایی»، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵، تهران، صص ۱۹۷-۱۷۲.
۲. احمدیان، محمدعلی و قاسمی، مریم (بهار و تابستان ۱۳۹۲): «تحلیلی بر ادغام آبادی‌ها در ساختار کالبدی-فضایی شهرها (نمونه موردی: مشهد مقدس)»، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، دوره ۲، شماره ۳، مشهد، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۳. اصغری زمانی، اکبر؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ زادولی، فاطمه و علی بخشی زاده، پیام (پاییز ۱۳۹۲): «ارزیابی میزان تغییرات کاربری اراضی در روستاهای الحاقی به کلان شهر تبریز طی دوره ی زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۱ (نمونه موردی: آخماقیه)»، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، سال دوم، شماره ۷، نجف آباد، صص ۳۵-۴۸.

¹ جان اف ترنر، اسکان غیررسمی را اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم می‌داند که به صورت ناموزون و غیراصولی رشد کرده‌اند (Turner, 1963).

۴. احمدی پور، زهرا؛ رهنما، محمدرحیم و رومینا، ابراهیم (تابستان ۱۳۹۰): «نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد: ایران»، مجله مدرس علوم انسانی برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۲، تهران، صص ۱۷-۳۹.
۵. احمدی پور، زهرا و منصوریان، علیرضا (بهار ۱۳۸۵): «تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵)»، مجله ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۱، تهران، صص ۶۲-۸۹.
۶. احمدی پور، زهرا؛ جعفرزاده، حسن و میرزایی، محمدرضا (تابستان ۱۳۹۳): «تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران»، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۴، مردودشت، صص ۱-۱۲.
۷. ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹): سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم، تهران.
۸. بحیرایی، حمید؛ کارگر، بهمن؛ سرور، رحیم و فرجی راد، عبدالرضا (تابستان ۱۳۹۵): «تحلیل راهبردی تحولات فضایی - کارکردی در پهنه حریم جنوبی کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی: شهرستان‌های ری و اسلامشهر)»، مجله اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۵، شماره ۹۸، تهران، صص ۷۲-۵۸.
۹. جلالیان، حمید؛ ضیائی‌ان، پرویز؛ دارویی، پرستو و کریمی، خدیجه (زمستان ۱۳۹۲): «تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی (مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان)»، مجله برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال ۲، شماره ۴، تهران، صص ۷۳-۹۸.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳): جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴): سیاست و فضا، انتشارات پاپلی، چاپ پنجم، مشهد.
۱۲. رهنما، محمدرحیم؛ احمدی پور، زهرا (تابستان ۱۳۸۲): «درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹۰ و ۶۹۱، مشهد، صص ۴۸-۳۵.
۱۳. شفیعی ثابت، ناصر (بهار ۱۳۹۳): «خزش کلان شهر تهران و ناپایداری کشاورزی روستاهای پیرامونی»، آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۴، ملایر، صص ۱۴۵-۱۶۲.
۱۴. صفایی پور، مسعود؛ منصوریان، حسین و کیومرثی، علی (بهار ۱۳۹۶): «بررسی اثرات عینی و ذهنی الحاق روستا به شهر (مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر نورآباد، استان لرستان)»، مجله پژوهش‌های روستایی، شماره ۲۹، تهران، صص ۱۲۳-۱۳۵.
۱۵. ظاهری، محمد و رحیمی پور، بهاره (۱۳۹۳): «بررسی عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ کلان شهرها (مطالعه موردی: روستاهای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی واقع در دره ليقوان استان آذربایجان شرقی)»، مجله مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۶، تهران، صص ۱۲۱-۱۳۹.
۱۶. علیمحمدی، عباس و همکاران (بهار ۱۳۸۷): «امکان‌سنجی سیستم اطلاعات جغرافیایی در ایجاد و تعیین مرکزیت واحدهای اداری - سیاسی (مطالعه موردی: شهرستان کرج)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول، تهران، صص ۱۷۷-۲۰۰.
۱۷. عزیزی، محمدمهدی و یارمحمدی، سیما (تابستان ۱۳۹۳): «تأثیر تقسیمات کشوری جدید بر پراکنده رویی شهری (مطالعه موردی: شهر بجنورد)»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۲، تهران، صص ۱۱۶-۱۰۳.
۱۸. فرهودی، رحمت ا... و محمدی، اکبر (پاییز ۱۳۸۴): «روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی و تنگناهای شهرسازی در سنندج»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، تهران، صص ۹۸-۸۷.
۱۹. فیروز نیا، قدیر؛ موسی کاظمی، سید مهدی و صادقی طاهری، اعظم (زمستان ۱۳۹۰): «تحلیل تأثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی به شهر (مطالعه موردی: روستاهای الحاقی در شهر کاشان)»، مجله پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۴، تهران، صص ۱۵۱-۱۲۳.
۲۰. قادرمربی، حامد؛ زارع ممقانی، بیبا و زبیری، کرامت‌الله (پاییز ۱۳۹۲): «ارزیابی کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج مورد: روستاهای حسن آباد و نایسر»، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۳، تهران، صص ۳۹-۵۶.
۲۱. گیلبرت، آلن و کالگر، ژوزف (۱۳۷۵): شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری، انتشارات شهرداری تهران، تهران.
۲۲. محمدپور، احمد (بهار ۱۳۸۹): «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم پذیری»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۴۸، تهران، صص ۱۰۶-۷۳.
۲۳. محمدپور، احمد و رضایی، مهدی (بهار ۱۳۸۷): «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، تهران، صص ۳۳-۳.

۲۴. محمدپور، احمد و ایمان، محمدتقی (بهار ۱۳۸۷): «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، مجله رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، تهران، صص ۱۹۱-۲۱۳.
۲۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱): جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۲۶. میرحیدر، دره و ذکی، قربانعلی (بهار ۱۳۸۱): «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲، تهران، صص ۴۹-۶۴.
۲۷. مهندسین مشاور طرح و آمایش (۱۳۸۹): طرح، تجدید نظر طرح جامع شهر ارومیه، جلد ۱ و ۲ سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی، ارومیه.
۲۸. نجفی کانی، علی‌اکبر؛ صادقی، نوشین و رحمانی، مریم (پاییز ۱۳۹۲): «چالش‌ها و راهبردهای توسعه فضایی روستاهای الحاقی به شهر گرگان»، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پیاپی ۵، تهران، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۲۹. نظریان، اصغر و همپانزاد، الهام (پاییز ۱۳۹۲): «تحلیل فرآیند رشد و تکوین شهر ارومیه با بهره‌گیری از همپوشانی عکس‌های هوایی در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)»، مجله جغرافیایی سرزمین، سال دهم، شماره ۳۹، تهران، صص ۳۷-۵۲.
۳۰. ودیعی، کاظم (۱۳۵۴): مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
31. Ansell, Christopher K. and Palma, (2002): *On Restructuring Territoriality: Europe and North America*, Cambridge University Press.
32. Babbie E, (2002): *The basics of social research*. 2nd ed. ed. Belmont, Calif; London: Wadsworth/Thomson Learning.
33. Brown, D. L., & M. Schucksmith, (2016): *A NEW LENS FOR EXAMINING RURAL CHANGE*. *Europeam countryside*, 8(2), 183-88. doi: 10.1515/euco-2016-0015.
34. Byun, P. and A.Esparza, (2005): *A REVISIONNISY MODEL OF SUBURBANIZATION AND SPRAWL THE RPLE OF POLITICAL FRAGMENTATION, GROWTH CONTROL, AND SPILLO*. *Journal of Planning Education and Research*, No., 24, pp: 252- 264.
35. Caves, R. W. (2005): *Encyclopedia of the City*, Routledge Publ., London-New York.
36. Carruthers, J and F. Ulfarsson, (2002): *FRAGMENTATION AND SPRAWL: EVIDENCE FROM INTERREGIONAL ANALYSIS*. *Growth and Change* Vol. 33. 312-340.
37. Finer, H, (1971): *The Theory and Practice of Modern Government*, 4th Ed. New York: Methoen.
38. Mohammadpour, A. and M. Rezaie, (2008): *THE SEMANTIC UNDERSTANDIG THE CONSEQUENCES OFTHE RENOVATION ENTRY TO THE ORAMAN REGION OF THE KURDISTAN OF IRAN WITH THE GRENDARD THEORY METHO*. *Journal of Sociology of Iran*, Vol. 9, No. 1 & 2, pp: 3-33.
39. Muir, R, (1981): *Modern Political Geography*. Hong Kong: Macmilan Education.
40. Strauss, A. and J. Corbin, (1998): *Basics of Qualitative Research*, London, Sage Publications.
41. Shkaruba, A., Kireyeu, V., and O. Likhacheva, (2016): *Rural–urban peripheries under socioeconomic transitions: Changing planning contexts, lasting legacies, and growing pressure*. 39.
42. Turner, J. F.C.D, (1963): *WELLING RESOURCES IN SOUTH AMERI*. *Architectural Design*, Vol. 33 and No. 8 and 33.
43. Tumanyan, D, (2005): *The ways of local-self government system development in the republic of Armenia*, *Policy Papers of the Armenian Team in the Framework of the South Caucasus Regional Project Urumieh Master Plan*, 2010.
44. Uszkai, A. (2015): *SPPATIAL INTEGRATION AND IDENTITY: CASES OF BORDER REGIONS*. *GAI International Academic Conferences Proceedings Prague, Czech Republic*, Nov 04, pp: 24-36.
45. Venice Commission, (2002): *Administrative and Territorial Reforms Creating Territorial Communities or Authorities at Deferent Levels*, Final Activity Report, Strasbourg.